



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۵ بهمن ۱۳۸۹
۴ فوریه ۲۰۱۱

پیام حزب کمونیست کارگری
ایران - حکمتیست
به کارگران مصر

رفقا!
خروش میلیونی روزهای اخیر شما کارگران و مردم تشنه آزادی و رهایی مصر برای پایان دادن به حاکمیت سیاه، فاسد و ضد مردمی حسنی مبارک را با دقت تعقیب میکنیم و خود را سهم در مبارزه عادلانه ای میدانیم که علیه فقر و ناداری و بیکاری و استبداد و دیکتاتوری شروع کرده اید. به خوبی واقفیم تحول انقلابی در مصر به دنبال تحولات تونس میتواند منشاء تغییرات بزرگی در جهان و در کشورهای عربی و خاورمیانه باشد. سقوط حاکمیت بن علی و نسیم تغییرات جدی تر و آزادیهای به دست آمده در تونس و عقب نشینی های تاکتونی مبارک و هیئت حاکمه سرکوبگر مصر در مقابل مبارزات شما نوید دهنده گشایشی بزرگ در شرایط کار و زندگی میلیونها انسان نه تنها در مصر بلکه در سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا است. ما میدانیم این فشار مبارزاتی است که همه سران بورژوازی کشورهای عربی و دولتهای مرتجع آنها را به یاد "رفرم اقتصادی و سیاسی" و توزیع "پول و صدقه" در میان کارگران و مردم انداخته است. کابینه پشت کابینه را عوض میکنند، وعده های انتخاباتی میدهند. غافلند از اینکه کارگران و مردم بیدار شده این عقب نشینی های مقطعی آنها را به فرصت ابراز وجود **صفحه ۲**

امان کفا

کارگران ایران خودرو و حق تشکر

به دنبال خیر دلخراش مرگ کارگران در قتلگاه ایران خودرو، کارگران این شرکت دست به اعتراض زدند و از جمله خواستار تشکیل تشکلات کارگری شدند و تا همینجا بحث حول محتوا و نام چنین تشکلاتی براف افاده است. شاید قبل از هر چیز اشاره به چند نکته زیر مفید نباشد. ایمنی کار از جمله مسائلی است که کارگران در سراسر دنیا روزمره با آن دست بگریبان آن هستند. در کشورهای مترویل، سالهاست که مبارزات کارگران سرمایه را مجبور کرده است، قوانینی به تصویب برساند که طی آن مسئولیت

ربوار احمد

جامعه کردستان به چه نوع تغییری احتیاج دارد!؟

توفان در هم پیچیدن قدرت های دیکتاتور و ستمگر بورژوازی در دنیای عرب، خوف و هراس در دل تمامی همپالکی های اینها انداخته است. از معمرفزایی گرفته تا علی عبدالله و اسد و دیگران. کردستان هم خارج از این چهارچوب نیست به این دلیل که تشابه بسیاری در میان این کشورها و کردستان وجود دارد. ظلمی که در آنجا طناب تحمل کارگر و زحمتکش را بریده است، در کردستان هم این طناب را به اندازه نار مویی باریک کرده است. در این کشورها قدرت دیکتاتورهای سرکوبگر دهها سال است که مشغول استحکام دادن به پایه های خود هستند، اما در کردستان بعد از فروپاشی قدرت فاشیستی حزب بعث این دیکتاتورهای تازه بوران رسیده، تازه مشغول محکم کردن پایه های قدرت خود

ناصر مردی

گزارشی کوتاهی از فعالیتهای تشکلات خارج حزب علیه اعدام

اعدام وسیله ای برای ارباب و به تمکین کشاندن میلیونی مردم، مخالفین سیاسی و معترضین به حکومت جنایتکاران سرمایه

سخنرانی و پرسش و پاسخ در پالتاک

تحولات مهم سیاسی تونس و

مصر

صفحه ۴

کارگران جهان متحد شوید!



امینت کارگران در محیط کار کاملاً بر عهده صاحب کار است، و نهادهای رسمی برای اطمینان از این امر وجود دارند. طبق آخرین رپورتاژ یکی از همین نهادها در انگلیس، در طی سال گذشته (۲۰۱۰-۹) نزدیک به یک میلیون و چهارصد هزار نفر از سوانج کار رنج برده اند و ۱۵۲ کارگر کشته شده اند. این تازه موارد گزارش شده می باشند، و واقعاً مشت نمونه ای از خروار است. بسیاری از مصیبتی که سالها بعد عوارض شان معلوم می گردد، باعث مرگ زودرس می شوند، صنایع اتمی که سرطان زا هستند، دردهای گوش و عضلات دست و پا که زاده کار زیاد هستند و ... جزو لیست های سوانج به حساب هم نمی آیند. فراتر از این همین دولت های کشورهای "امکراسی دار" به بهانه های گوناگون از بودجه این نهادها می کاهند، قوانین و محدوده قوانین را

تغییر می دهند، ولیکن کماکان فضا و انتظارات غالب در این جوامع چنان است که صاحب کاران نمی تواند از مسؤلیت ایمنی خود براحتی شانه خالی کنند.

در کشورهای نظیر ایران، اما، فرض بر بی حقوقی و بی ارزشی کارگر و جانش است. نه هیچ نهاد مستقل از صاحب کار و دولتش برای رسیدگی به ایمنی کار وجود دارد و نه پروسه رسمی برای بررسی این امور برقرار است. و در محدود عرصه هایی که قوانین کار دخالت

صفحه ۲

میلیونی کارگران و زحمتکشان کردستان جدا است، بلکه تماماً در تقابل با آن و علیه همبیکر هستند. آن شکاف طبقاتی ای که هم اکنون در کردستان موجود است، به این معنی است که از یک طرف، غرق شدن اقلیتی از حاکمین در ثروت و زندگی ای شاهانه، و از طرف دیگر غرق شدن اکثریت عظیم جامعه در فقر و ناداری و بی بهره بودن از امکانات ابتدایی زندگی روزانه، مانند آب و برق و غذا و دارو است. این شکاف طبقاتی اگر از شکاف طبقاتی در تونس و مصر بیشتر نباشد کمتر هم نیست. این ستمگری که در کردستان برپا گردیده است، از ترور مخالفین و سرهم کردن اتهامات پوچ برای آنها، ترور بیشمار زنان به بهانه پاسداری از ناموس، چلپیدن آشکار دارایی های جامعه توسط سران احزاب حاکم، زیر پا گذاشتن ابتدایی ترین قوانین و معیارها و حقوق مدنی و انسانی مردم از جانب میلیشیا و دم و دستگاه جاسوسی و سرکوبگر مانند (زانیاری و پاراستن)، نمونه ای از همان نوع ستم و

صفحه ۳



است. تاریخ اعدام، تاریخ قتل و جنایات طبقات حاکم برای حفاظت از جوامع طبقاتی، و برای مقابله با شورش بردگان آن است، که بنام قانون و «امنیت جامعه» صورت میگیرد. رژیم جمهوری اسلامی در طول تاریخ حیات جنایتکارانه خود از ابزار اعدام به کرات برای سرکوب مخالفین و در نطفه خفه کردن هر ندای آزادی خواهی استفاده کرده است.

تاریخ ۲۹ ژانویه نمودند. کمیته خارج کشور حزب حکمتیست نیز در راستای سیاست همیشگی حزب در مبارزه با اعدام و تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی، تصمیم به همکاری در برگزاری این حرکت اعتراضی گرفت **صفحه ۴**

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگران ایرانخودرو و حق....

می کنند، همان بی حقوقی کارگری را جمهوری اسلامی سرمایه رسمیت داده است.

به این اعتبار در ایران، نیاز به نهادینه کردن ایمنی کارمطلبه مسئولیت کارفرما، و تضمین آن نیز بر عهده کارگران افتاده است. چنین امری در خود به این معنی است که بایستی کارفرما این حق پایه ای کارگر را برسمیت بشناسد که در صورت هرگونه احتمال خطری، کار تعطیل می شود و کارگر در این دوره حقوق کامل می گیرد تا خطر رفع گردد. این حق پایه ای است و جزو قوانین رسمی دولتی باید ملحوظ گردد. در شرایط فعلی اجرا و تضمین این خواسته تنها توسط تشکل کارگران ممکن است و به همین دلیل تشکیل هیئت های بررسی هر صانحه ای با حضور مستقیم نمایندگان کارگران و یا متخصصانی که مورد قبول کارگران باشند در خود نیازمند وجود تشکلات کارگری در محیط کار است. خواست کارگران ایران خودرو برای تشکل به این ترتیب راه حلی مناسب برای امن کردن محیط کار است و بایستی مورد استقبال و پشتیبانی تمامی کارگران باشد.

برپا کردن چنین تشکلاتی در محیط کار امکانات کارگر را علی العموم بالا می برند و در تعیین توازن قوا نقش بسیار سازنده ای دارند. چنین تشکلاتی، نه تشکلات "سیاسی" و ضد دولتی، بلکه تشکلاتی هستند که در چهارچوب قوانین نوشته نشده، ولی کاملاً ممکن در ایران امروز، می توانند برپا شوند و تنها نیازمند حرکت سازمان داده شده کارگران در محیط کار می باشند. امروز هیچ صاحب کاری در ایران نمی تواند جلوی تشکیل هیئت های کارگری برای بررسی ایمنی کار را بگیرد. طبیعتاً در اینجا توازن قوا به معنی قدرت کارگران در محیط کار است که می تواند شرایطی فراهم آورد که این کارگران بابت انجام این کار حقوق بگیرند و رسمی باشند، اما این شرط تشکیل شدنشان نیست. نام این تشکلات را باید آنچنان برگزید که نماینگر همین واقعیت باشد. تنها پیش شرط برای این تشکلات ها حمایت وسیع کارگران برای رسمیت یافتن آنها است. چنین حمایتی باید رسمی باشد و راحت ترین و آسان ترین راه برای آن مجمع عمومی کارگران در همان محیط کار است.

کمونست ها همیشه خواهان هر چه بیشتر و متعدد بودن تشکلات کارگری بوده اند و اصلاً این تصور که قرار

است تنها یک تشکل بیانگر تمامی خواست های کارگران و به این معنی کامل و همه جانبه و در برگیرنده تمامی عرصه های گوناگون باشد، غیر واقعی است. در حقیقت عموماً سرمایه که بدنبال یافتن یک جمع نماینده کارگران برای رتق و فثق کارش است، کارگر را می خواهد در یک نهاد سازمان دهد. این امر داده ای برای کارگران کمونست در کشورهای متروپل است که اتحادیه های متفاوت در این کشور با گرد هم آوردن تمامی عرصه های کار در زیر یک سقف امکان و دست کارگران را برای دست یابی به دستاوردهای فراتر از زد و بندهای رهبران اتحادیه ها یا صاحب کاران و دولت آنان بسته اند. در این کشورها، اتحادیه ها خود بخشی از کارکرد سرمایه برای تهدید کارگران می باشند.

در ایران که ما با این امر مواجه نیستیم. هرگونه تشکل کارگری که در برگیرنده نمایندگان کارگران در عرصه های گوناگون باشد، را می شود تشکیل داد. بعلاوه وجود تعدد همین تشکلات، نه تنها درجه امنیتی همان نمایندگان را بالا می برد، بلکه امکانات و قدرت کارگران را نیز بمراتب در سطحی بمراتب وسیع تر از محیط کار و اجتماعاً افزایش می دهند. به همین دلیل، اصل بر سر تشکیل این نوع تشکلات است و هیچ کدام به تنهایی "نماینده سیاسی" کارگران برای "براندازی دولت" را نمی کنند. شناخت این امر به معنی گذاشتن هر مقوله ای در جای خودش است. بحث هایی که حول نام گذاری بر این تشکلات ها امروز در جریان است، عدم درک همین مسئله را در خود مستطر دارد و بیشتر شبیه جدال های درون خانوادگی و شعارهای سیاسیونی می ماند که تمامی هم و غمشان برای اثبات و کارخوشان است و دردی از کارگر و راه نجاتی برای برون رفتن از این وضعیت را در مقابل کارگران نمی گزارد. درد بی تشکلی را باید دید و راه حل داد. در یک کلام، از نظر کمونست های پراتیک و خواهان تغییر و نه تفسیر، هر جا هر تشکلی را برای هر امر کارگری می توان راه انداخت، باید مورد حمایت باشد چه بسا که می تواند امکانات اتصال شبکه های گوناگون کارگران را فراهم آورد، و ظرف مناسب برای نمایندگی کردن کل کارگران را در عرصه های یک محیط کار، همانا شورای پایه، و یا مجمع عمومی است، که می تواند انواع و اقسام تشکلات کارگری آن محیط را در برگیرد. امری که براه اندازی آن در ایران امروز در هر محیط کاری قابل اجراست.

به کارگران مصر....

نابرابری قطع کنند. نباید گذاشت بورژوازی و لایه های مختلف آن با وعده های دروغین و ترفندهای گوناگون طبقه کارگر و مردم معترض را در نیمه راه به خانه بازگردانند.

رهبران کمونست طبقه کارگر و حضور گسترده شما در خیزش و مبارزه توده ای جاری علیه ارتجاع، علیه فقر و گرسنگی و علیه جلال و جبروت فرعونهای این زمانه و علیه وضع موجود و چندین دهه تعرض به همه جنبه های حقوق و کرامت انسانی در جامعه مصر، امید بخش و شورانگیز است. تلاشهای روز سی ام ژانویه برای متشکل کردن بخشهای مختلف کارگری و ایجاد فدراسیون سراسری کارگران به ما این امید را میدهد که هم طبقه ایهای ما در مصر تصمیم به دخالت آگاهانه و متشکل در این تحول انقلابی و در این مبارزات سرنوشت ساز را دارند. تردیدی نیست فرصتی باز شده است تا طبقه کارگر و رهبران و پیشروان آگاه و کمونست نقش تاریخی خود را در رهبری و هدایت این خیزش و مبارزات توده ای برحق در جهت آزادی و رهایی جامعه ایفا کنند. لازمه اینکار متشکل و متحزب شدن حول کمونیسیم و سیاستهای کمونستی است.

ما عمیقاً معتقدیم سرانجام تحولات مصر و فرجام آن به نقش و تاثیر طبقه کارگر مصر و کمونستهای این طبقه بستگی دارد. طبقه کارگر مصر میتواند عقب نشینی هایی به مراتب وسیع تر و پله ای تری به بورژوازی تحمیل کند، و توازن قوا را بیش از پیش به نفع خود و به نفع مطالبات مردم تغییر دهد. تحولات مصر دریچه ای بر روی طبقه کارگر و رهبران کمونست آن باز کرده است تا در دل آن و در جدالی طبقاتی، اوضاع را به نفع کل طبقه کارگر و انقلاب کارگری بچرخانند. نباید گذاشت جناحهای بورژوایی ریاکارانه و به بهانه "جنبش همگنی و مبارزه ضد استبدادی" افق و سیاست کارگری و کمونستی را به حاشیه برانند. نباید گذاشت جناحهای دیگری از بورژوازی و شخصیتهای فرصت طلب آن دست در دست آمریکا و غرب و ارتجاع محلی راه انقلاب واقعی کارگران و مردم مصر را تا رهایی واقعی از ستم و استثمار و تبعیض و

زنده باد همسرنوشتی طبقاتی ما

زنده باد کمونیسیم!

کارگران جهان متحد شوید!

حزب کمونست کارگری ایران-

حکمتیست

چهارم فوریه ۲۰۱۱

رادیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر

ساعت پخش رادیو پرتو جمعه ها

۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن

۱۹ تا ۲۱ به وقت اروپای مرکزی

۲۱-۳۰ تا ۲۳-۳۰ به وقت ایران

شما میتوانید در ایام هفته شنونده تکرار برنامه در همین ساعت باشید

www.radiopartow.com/wp/

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

جامعه کردستان به چه نوع...؟

ظلمی است که در تونس و مصر و الجزایر و لیبی و اردن و یمن و سوریه و غیره آماج توفان گردیده است. همزمان اینها مشکلات و نابسامانیهای اصلی جامعه کردستان هم هستند. پس اگر قرار است خروش توده ای در مصر و تونس تأثیری بر جامعه کردستان داشته باشد، زمینه مادی آن، این واقعیت است.

مردم را تحت قید و بند و فشار سنگین خود گرفتار کرده است.

جامعه کردستان به سیستم اقتصادی ای احتیاج دارد که افق کار و درآمد را به روی میلیونها افراد آماده به کار این جامعه بگشاید تا با در آمد خردشان هراتچه نیازمندیهای یک زندگی خوشبخت و سزاوار است را تأمین کنند. نیازمند سیستمی است که مانع آن شود که توده های میلیونی علاوه بر رنج و زحمت مفرط، گرسنه و بی بهره بمانند و از طرف دیگر اقلیتی باشد که بدون کار و زحمت در پول و ثروت غرق شوند. این جامعه محتاج سیستمی است که مشکل گرسنگی و فقر را حل کند، نیازمند سیستمی است که زندگی ای مرفه، بهداشت عمومی، نیازمندی های روزانه را در سطح استانداردهای عصر حاضر برای تک تک افراد این جامعه تضمین کند.

این تغییری که در جامعه لازم است صورت بگیرد، هیچ شباهتی به آن تغییر ندارد که "جنبش تغییر" آن را در بوق میکند. آن برنامه ای که "جنبش تغییر" اعلام کرده است هیچ ربطی به آن تغییراتی که باید در کردستان صورت بگیرد ندارد. آن تغییری که "جنبش تغییر" مدعی آن است، تنها تعویض قدرت اتحاد میهنی و حزب دمکرات است با قدرت "جنبش تغییر". آزادی به آن معنی ای که در بالا ذکر شد به هیچ وجهی در برنامه "جنبش تغییر" جا و مکانی را اشغال نمیکند و تضادی عمیق با هم دارند. "جنبش تغییر" مثل یک بازوی بورژوا - ناسیونالیست کرد، او هم مانند اتحاد میهنی و حزب دمکرات، به تندی به همان آداب و رسوم و سیستم سیاسی و بوروکراتیک مافوق مردم چسبیده است که اکنون مردم گرفتار آن است. در برنامه "جنبش تغییر"، زنان همچنان شهروند درجه دوم و برده خانه و گرفتار مردسالاری هستند، دست و پای آزادی با انواع قید و بند با طناب پیچی شده است، جوانها برده عقب ماندگی و سنن پوسیده اسلام و ناسیونالیست هستند، کارگران همچنان برده های مزد بگیرند، فقر و بی آینده گی و تقسیم جامعه به اقلیتی ثروتمند و اکثریتی بی چیز، در برنامه "جنبش تغییر" نه تنها بحثی برای حل آن نیست، بلکه حتی مانند یک مشکل هم به آن نگریسته نشده است و دست نخورده باقی مانده است. علاوه بر برنامه تازه اعلام شده "جنبش تغییر"، تجارب تا کنونی نشان داده است که این نیرو و آلترناتیوهایش با امیال و آرزوهای مردم ستمدید کردستان کاملاً در تناقض است. در انتخابات قبلی کردستان به مردم گفتند که اگر به آنها رأی بدهند و آنها را به پارلمان بفرستند، زندگی آنها را تغییر میدهند. اما یک سال و نیم گذشته نشان داد که این فقط یک پروپاگاند عوامفریبانه بود. در خروش توده ای

علیه ترور سردشت عثمان، "جنبش تغییر" هباهویی بزرگ را بر پا کرد، اما بعداً آشکار شد که این جنبش از آن مردم توده ای برای رسیدن به مقاصد خود سوء استفاده کرده است. بعد از اینکه حزب دمکرات قبول کرد که به خواسته های خود "جنبش تغییر" رسیده گی کند، این جنبش، هم به آن خروش توده ای پشت کرد و هم بعد از اینکه سناریوی تروریست بودن برای سردشت عثمان سرهم بندی شد هیچ عکس العملی نشان نداد و حتی موضعی هم در این باره نگرفت. "جنبش تغییر" روزی مشغول ساخت و پاخت با اتحادیه میهنی و حزب دمکرات است، روز دیگر هم پیمان گروه ها و دسته های اسلامی تروریست و کهنه پرست میشود و دست به دامن مسجد و آخوند میگردد. و روزی دیگر میخواد که از عصبانیت مردم و عطش آنها برای دگرگونی استفاده ببرد.

هیچ چیز از این عیان تر نیست که جامعه کردستان نیازمند دگرگونی است، هیچ چیزی مشروع تر از این نیست که توان انقلابی مردم کردستان باید توسط نسیم آن گرد بادی که در تونس و مصر و کشورهای دیگر عربی وزین گرفته است جانی دوباره بگیرد. باید این دیکتاتورهای تازه به دوران رسیده کردستان هم مانند معمر قذافی کهنه دیکتاتور از ترس به میدان آمدن مردم خوابشان نبرد. اما به همان اندازه که این دگرگونی ضروری است، به همان اندازه هم جدا کردن صف خود از برنامه و نه‌قشه "جنبش تغییر" و دیگر جنبشهای ارتجاعی و کهنه پرست ضروری و حیاتی است. اینها میخوادند مبارزه و جنگ مردم ستمدیده را به جایی که خلاف منفعت این مردم است ببرند. نزدیک به بیست سال پیش زمانیکه به مردم گفتیم که سیستم پارلمانی، سیستم اعمال اراده مردم و نمایندگی مردم نیست و تضمین کننده آزادی نیست، اگر آن زمان مردم کردستان به حکم نبود تجربه در این باره به هر اندازه حق داشته اند که آن نظر ما را به آسانی باور نکنند، اما امروز بعد از یک تجربه طولانی و تلخ با این سیستم به شیوه ای که در عراق و کردستان زمینه پیاده کردن آن داشته‌باشد، نباید هیچ شک و خوش باوری ای مانده باشد که سیستم پارلمانی چیزی نیست به غیر یکی از شیوه های دیگر بوروکراتیک و مافوق مردم. بورژوازی.

آن پارلمانی که تازه "جنبش تغییر" آن را تبدیل به مژده دهنده "تغییرش می دهیم" و رهایی مردم از ظلم و ستم و میکند، چیزی نیست به غیر از فرستادن نماینده های احزاب و جنبشهای دست رو شده بورژوازی به پارلمان، تا بروند در سالن پارلمان با چشمانی خواب آلود به اسم نماینده گان مردم به سیاستها و

گزارشی کوتاهی از فعالیتهای...

و در فراخوانی از تمامی احزاب، گروه ها، و افراد آزادیخواه دعوت به شرکت در تجمعات روز ۲۹ ژانویه نمود. در زیر گزارش مختصری از این فعالیتها و شرکت اعضای کمیته‌های کشوری و شهری تشکیلات خارج حزب حکمتیست در این روز به استحضار می‌رسد:

نروژ - اسلو:

روز ۲۹ ژانویه طی اقدامی مشترک، با شرکت جمع کثیری از فعالین سیاسی، احزاب، سازمانها و نهادهای مقیم نروژ تظاهرات باشکوهی در دفاع از زندانیان سیاسی و محکومیت احکام در مقابل سفارت رژیم جمهوری اسلامی در شهر اسلو برگزار شد. شرکت کنندگان در این حرکت اعتراضی، با حمل تراکت، پوستر و با سردادن شعارهایی در محکومیت اقدامات رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در اعدام زندانیان سیاسی، پرچم جمهوری اسلامی را در مقابل سفارت به آتش کشیدند. همچنین ملکه عزتی بیاتیه کمیته نروژ تشکیلات خارج کشور در محکومیت اعدام‌ها در ایران و حمایت از آزادی زندانیان سیاسی را قرانت کردید از پیمان آکسیون مقابل سفارت ایران، تظاهرکنندگان بطرف وزارت امور خارجه نروژ راهپیمایی کردند و در طول راهپیمایی با تکرار شعارهای خود اجرای احکام اعدام در ایران را محکوم نمودند.

کانادا - تورنتو:

روز ۲۹ ژانویه همزمان با اکثر شهرهای دنیا، میتینگ بزرگی در میدان اصلی شهر و بدعوت اکثر احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست برگزار شد

سخنرانی و پرسش و پاسخ در پالتک تحولات مهم سیاسی تونس و مصر

پیامدهای آن بر خاورمیانه و کشورهای عربی
رسالت طبقه کارگر و کمونیسم در این تحولات
سخنران: رحمان حسین زاده
زمان: یکشنبه ششم فوریه ۲۰۱۱
ساعت: ۲۰ به وقت اروپای مرکزی
محل جلسه در پالتک:

اتاق Iran Hekmatist Parti:
Category: Europe
Sub-Category: United Kingdom

و در آن نمایندگان احزاب سیاسی شرکت‌کننده و شخصیت‌های اجتماعی در سخنانی اعدام‌های وسیع اخیر در ایران را محکوم ساختند.

مصطفی یونسی، دبیر کمیته حزب در کانادا نیز در سخنانی به زبان انگلیسی، ضمن محکوم کردن اعدام‌های اخیر در ایران، رو به جمعیت بزرگی از شهروندان تونس و مصری مقیم کانادا که همزمان و با فاصله کوتاهی از این میتینگ برای حمایت از مبارزات مردم در مصر و تونس شعار می‌دادند، به مشابهنه شرایط امروز این کشورها با ایران ۳۱ سال پیش پرداخت

در پایان این میتینگ اعتراضی، جمعیت شرکت‌کننده تصمیم گرفتند که در مبارزات آزادیخواهانه مردم در تونس و مصر به میتینگ بزرگ آن‌ها بپیوندند. در این هنگام مصطفی یونسی پشت میکروفون معترضین مصری و تونس قرار گرفت و به نمایندگی از طرف حزب حکمتیست حمایت خود را از مبارزات آنان برای تحقق آزادی و برابری اعلام کرد. پیام کوتاه مصطفی یونسی با شادی و مهمه وسیع شرکت‌کنندگان در این تجمع بزرگ همراه شد.

انگلیس - لندن:

ده‌ها نفر به فراخوان حزب حکمتیست و سایر احزاب چپ و کمونیستی در تاریخ ۲۹ ژانویه در مقابل تلویزیون بی بی سی بخش فارسی تجمع کردند. تظاهرکنندگان با حمل پلاکارد و سردادن شعارهایی علیه اعدام و در اعتراض به زندان فعالین سیاسی، منعی، کارگری و دانشجویی، تفرع عمیق خود را ابراز نمودند. در این تجمع اعتراضی سعید آرمان از جانب حزب حکمتیست با ایراد سخنانی به تشریح موقعیت کارگران در اوضاع کنونی ایران و اعمال فشار بر کارگران زندانی، فعالین دانشجویی و مدافعین حقوق پرداخت.

انگلیس - منچستر:

اعضای حزب حکمتیست در شهر منچستر نیز در تجمعی اعتراضی که در روز ۲۹ ژانویه و در میدان مرکزی و پر تردد شهر برگزار و جمع وسیعی نیز در آن حضور داشتند، شرکت نمود. آنان با در دست داشتن پلاکاردها و تصاویری از اعدام توجه جمعیت زیادی از مردم این شهر را به توشح حاکم بر ایران جلب نمودند.

آلمان - هامبورگ:

در راستای اعتراض به احکام اعدام و حمایت از آزادی زندانیان سیاسی در ایران، شاخه هامبورگ حزب

حکمتیست در روز ۲۹ ژانویه ضمن برگزاری میزگفتی در مرکز شهر مخالفت خود را با شکنجه و احکام قرون وسطایی زندان و اعدام اعلام کرد.

سوئد - استکهلم:

در تاریخ شنبه ۲۹ ژانویه، اجتماع با شکوهی علیه جنایات و اعدام‌های اخیر جمهوری اسلامی و در دفاع از فعالین کارگری و سایر زندانیان سیاسی در مرکز شهر استکهلم بر پا گردید. در جریان این تظاهرات علاوه بر نمایندگان احزاب و شخصیت‌های سیاسی ایرانی، نمایندگان چند حزب و جریان سوئدی نیز در محکومیت اقدامات جمهوری اسلامی سخنرانی‌هایی ایراد کرده و حمایت خود را از خواسته‌های مطرحه در تظاهرات اعلام نمودند. در این اجتماع مصطفی اسپور عضو کمیته مرکزی حزب حکمتیست در سخنانی به زبان سوئدی اقدام به تشریح ابعاد تعرض جمهوری اسلامی در سرکوب، شکنجه و دستگیری مخالفین سیاسی در ایران و بالا گرفتن موج اعدام‌ها پرداخت.

سوئد - گوتنبرگ:

در ساعت ۱۴ روز شنبه ۲۹ ژانویه، صدها نفر به دعوت حزب حکمتیست و سایر احزاب و نهادهای چپ ایرانی و برخی از احزاب چپ سوئدی در مرکز شهر تجمع کردند. شرکت‌کنندگان در این تظاهرات که بالغ بر ۲۵۰ نفر بودند با تزیین میدان با عکس‌هایی از زندانیان سیاسی و نیز عکس‌هایی سمبلیک از اعدام و برافراشتن پرچم و باندول و سردادن شعار توجه عابری را بخود جلب کردند.

در جریان این تجمع علی عدالی به نمایندگی از طرف حزب، طی بیاناتی به زبان سوئدی ضمن اشاره به مناسبت این روز، روی آمار اعدام‌های پی‌در-پی رژیم اسلامی ایران در طی سه دهه گذشته و کثرت زندانیان سیاسی و شرایط ناهموار طبقه کارگر و اقشار مختلف تحت حاکمیت سرکوبگرانه این رژیم سرمایه داری انگشت گذاشت.

سپس راهپیمایی با شکوهی از چند خیابان مرکزی شهر به طرف میدان آهن صورت گرفت که در مسیر تظاهرکنندگان با سر دادن شعارهایی در محکومیت اعدام در ایران به زبان‌های سوئدی و فارسی توجه وسیع عابری را بخود جلب کردند. این حرکت با شکوه در میدان آهن و پس از آخرین سخنرانی‌ها در ساعت ۴ بعد از ظهر پایان یافت.

جامعه کردستان به چه نوع...

کردستان با هر زبان و گویش و اعتقاد و تفکر برابرند و هرگونه تبعیضی ممنوع است. برای فساد و غارت این بیست سال گذشته دادگاه و تحقیق تشکیل میشود و ثروت انباشته شده احزاب حاکم و سران آنها ضبط میگردد و به بودجه مملکت اضافه میشود، تمامی ملیشایی مسلح با هر اسم و رسمی منحل میگردد و نیروی مسلح شوراهای امنیت جامعه را از هر نظر تأمین میکند، شغل مناسب و با بیمه بیکاری مکفی و در خور یک زندگی مرفه برای هر فرد آماده به کار تأمین میگردد، نیازمندی‌های زندگی روزانه مردم از قبیل آب و برق و دارو و درمان و تحصیل با استاندارد مدرن و رایگان برای تمامی شهروندان تأمین میگردد، همچنین سرنواخت این جامعه را یکباره از دلهره بین نسخه ارتجاعی فدرالیسم و تهدید همه روزه دار و دسته‌های ناسیونالیست عرب و وحشت‌درگیری‌های قومی، رها خواهد کرد و با برپایی رفاندگی آزاد و عمومی، تصمیم برای سرنوشت این جامعه برای جدایی و تشکیل دولت مستقل و یا ماندن با عراق را به اراده مستقیم مردم واگذار میکند.

زمان آستین بالا زدن برای این دگرگونی انقلابی فرا رسیده است. زمان کوتاه کردن دست احزاب ناسیونالیست و ملیشایی و عشیره‌ای و غارتگر فرا رسیده است، و هم‌طور زمان پشت سر نهادن و عبور از برنامه "جنبش تغییر" - آویزان به ارتجاع اسلامی فرا رسیده است. حزب کمونیست کارگری، حزب این تغییر بنیادی و انقلابی است و برای همین هدف تشکیل شده است. توده‌های کارگر و زحمتکش کردستان با پیوستن به برنامه کمونیستی و تکیه کردن به حزب کمونیست کارگری میتوانند شرایط را در راستای منفعت خود تغییر دهند.

نشریه حزب کمونیست

کلرگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم